

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد
گروه: مدرسی معارف اسلامی
گرایش آشنایی با منابع اسلامی

عنوان:

روش قرآن در جذب عاطفی انسان

استاد راهنما:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر احمد عابدی

استاد مشاور:

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالله موحدی محب

نگارش:

حبیب عفیفی

۱۳۹۳

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس... از پایان نامه یا رساله برای دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

اهداء و تقدیم

رساله‌ی «روش قرآن در جذب عاطفی انسان» را که کوششی است در فهم معارف بلند و حیانی قرآن، هدیه می‌کنم به محضر گرامی رسول اکرم ﷺ، حضرت امیرالمؤمنان علی و حضرت فاطمه‌ی زهرا و ائمه هدی علیهم‌السلام. بخصوص امام عصر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و از محضر آن کریمان شفاعت رفته‌گانم؛ جدّ پدری و جدّ مادری؛ مرحوم حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد صفایی‌راد و جدّه‌هایم و برادر تازه رحلت نموده‌ی جوانم رحمهم الله را خواستارم.

ثواب رساله‌ی پیش رو را به همه صاحبان حق که بر گردنم حق دارند و مجاهدان و مجذوبان خدادوستی که در راه تحقق آرمان‌های اسلامی تلاش می‌کنند و آنانی که تعالیم قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام را سرمشق زندگی خود قرار داده‌اند، تقدیم می‌کنم.

تقدیر و تشکر

نخست تمام حمد و سپاس خود را تقدیم به خداوند رحمان می‌کنم که محبت به ذات پاک خود و اولیاء خود و اهل البیت رسول خود ﷺ را در دلم کاشت و نعمت‌های فراوان و بی‌شماری را به این بنده حقیر خود ارزانی داشت و تنها گوشه‌ی کوچکی از آن نعمت‌های بزرگ، توفیق استفاده از اساتید گرامی در راستای معارف اسلامی و توان نگارش این رساله است.

سپس از پدر و مادر عزیزم و همسر گرامی‌ام تشکر می‌کنم.

از اساتیدی که از محضر آنها کسب دانش و معرفت نمودم تشکر می‌کنم.

از حضرت استاد دکتر احمد عابدی دامت برکاته استاد راهنما و استاد گرامی، دکتر عبدالله موحدی محب حفظه الله تعالی استاد مشاور به پاس قبول زحماتی که در راستای کیفیت تدوین این پایان‌نامه داشتند و الطافی کریمانه‌ای که بی دریغ به این شاگرد خود مبذول کردند، کمال تقدیر و تشکر و حق شناسی را دارم.

در پایان از تمامی عزیزانی که به هر گونه زحمات‌شان در تکوین این اثر دخیل بوده است، قدردانی می‌کنم.

چکیده

عواطف که مجموع کشش‌ها و گرایش‌های نفسانی را شامل می‌شود به دو دسته‌ی فطری و حصولی تقسیم می‌شوند و در هندسه‌ی دورنی انسان نقش کلیدی داشته تا آنجا که سرنوشت او را در سایه‌سار خود رقم می‌زنند.

مهندسی سازه‌واره‌های نرم‌افزار دورنی انسان به گونه‌ای است که برای تربیت، هدایت و مدیریت انسان ملاحظه عواطف وی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. از این رو قرآن در جذب انسان به سمت و سوی هدایت و سعادت، روش خاصی دارد که این پژوهش کوشیده است روش قرآن در جذب عاطفی انسان را به صورت نظام‌مند بررسی کند.

در این باره با مطالعه‌ی چیستی، هستی، گستره‌ی عواطف و ارزش آنها و نیز میزان توجه قرآن به این ویژگی انسان و بیان اصول، مبانی و راهبردهای جذب عاطفی روش قرآن با نگاه ضمنی به راه‌کارهای کلی و کاربردی آن، این پژوهش سامان یافته است.

طرح بحث پیرامون معناشناسی واژگان عاطفی قرآنی به ویژه واژگان عاطفی‌ای که در رابطه با خداوند متعال در قرآن آمده است و تقریر چالش‌های جدی پیرامون معنا و مفهوم آنها و نقل و نقد دیدگاه‌های اندیش‌وران و بیان زاویه‌ی پنهان نگره‌های بنیادین دیدگاه‌های آنها از جنبه‌های نو در این پژوهش است از این رو گوشه‌هایی از لغزش‌های معنا و مفهوم‌شناسان و لغت‌پژوهان در این عرصه را نمایانده و نیازهای پژوهشی مسئله را روشن کرده است.

واژگان کلیدی:

قرآن، جذب، عاطفه، احساس، گرایش، شناخت، راهبرد، جذب عاطفی

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....	۱
۱. فصل اول: کلیات، مفاهیم و مبانی.....	۴
۱-۱. گفتار اول: کلیات.....	۵
۱-۱-۱. بیان مسئله.....	۵
۱-۱-۲. سوال اصلی.....	۵
۱-۱-۳. سوالات فرعی.....	۵
۱-۱-۴. فرضیه.....	۵
۱-۱-۵. اهداف تحقیق.....	۶
۱-۱-۶. هدف کاربردی.....	۶
۱-۱-۷. پیشینه تحقیق.....	۷
۱-۱-۸. روش کار.....	۷
۲-۱. گفتار دوم: مفاهیم و مبانی.....	۸
۱-۲-۱. مفهوم‌شناسی واژه‌ی روش.....	۸
۲-۲-۱. مفهوم‌شناسی واژه‌ی عاطفه.....	۸
۲-۲-۱. واژه عاطفه در کاربرد منابع اسلامی.....	۱۵
۱-۲-۲-۱. ماده «عطف» در کاربرد قرآن کریم.....	۱۵
۲-۲-۲-۱. ماده «عطف» در کاربرد سنت مأثوره.....	۱۶
۳-۲-۱. فرق عاطفه با احساس.....	۱۸
۴-۲-۱. رابطه‌ی عاطفه با فطرت و غریزه.....	۲۳
۵-۲-۱. رابطه‌ی عاطفه با ادراک، معرفت و عقل.....	۳۰

ب

۴۶ ۶-۲-۱. خاستگاه عواطف انسان
۵۶ ۷-۲-۱. ارزیابی عواطف به ممدوح و مذموم در نگاه قرآن کریم
۵۷ ۸-۲-۱. جایگاه عواطف و ارزش تربیتی آنها در نگاه قرآن کریم
۶۹	۲. فصل دوم: گستره‌شناسی عواطفِ مربوط به بحث در کاربرد قرآن
۷۰ ۱-۲. سخن آغازین فصل دوم
۷۰ ۲-۲. گفتار اول: عنایت‌های عاطفی خدا نسبت به انسان
۷۱ ۱-۲-۲. تمایز بین اسناد مصداق‌های عاطفی به خدا ﷻ و انسان
۷۸ ۲-۲-۲. حقیقی یا مجازی بودن اسنادهای عاطفی قرآن کریم به خدا ﷻ
۸۰ ۳-۲-۲. تمایز در شدت و ضعف
۸۱ ۴-۲-۲. مصداق‌های عاطفی مستند به خداوند سبحان در قرآن کریم
۸۱ ۱-۴-۲-۲. اصطفی
۸۱ ۲-۴-۲-۲. حلیم
۸۲ ۳-۴-۲-۲. حنان
۸۳ ۵-۴-۲-۲. رحمان و رحیم
۸۴ ۷-۴-۲-۲. رضا و سخط
۸۵ ۸-۴-۲-۲. رئوف
۸۶ ۹-۴-۲-۲. لعن
۸۹ ۱۱-۴-۲-۲. محب و مبغض
۹۲ ۱۲-۴-۲-۲. مقت
۹۳ ۱۳-۴-۲-۲. ودود
۹۳ ۳-۲. گفتار دوم: عواطف انسان نسبت به خدا
۹۵ ۱-۳-۲. حالات کلی قلب در قرآن کریم
۹۵ ۱-۱-۳-۲. خشوع
۹۶ ۲-۱-۳-۲. قساوت
۹۸ ۲-۳-۲. حالات عاطفی پسندیده
۹۸ ۱-۲-۳-۲. اخبات

ج

- ۹۸ ۲-۲-۳-۲ و ۳. اطمینان و وجل
- ۹۹ ۴-۲-۳-۲. خشیت
- ۱۰۴ ۵-۲-۳-۲. خلیل
- ۱۰۴ ۶-۲-۳-۲. رجاء
- ۱۰۵ ۷-۲-۳-۲. رضا
- ۱۰۶ ۸-۲-۳-۲ و ۹. رغبت و رهبت
- ۱۰۷ ۱۰-۲-۳-۲. شکر
- ۱۰۸ ۱۱-۲-۳-۲. طمع
- ۱۰۹ ۱۲-۲-۳-۲. عبادت
- ۱۱۰ ۱۳-۲-۳-۲. محبت
- ۱۱۵ ۲-۳-۲. حالات عاطفی ناپسند
- ۱۱۵ ۱-۲-۳-۲. اشمئزاز
- ۱۱۶ ۲-۲-۳-۲ و ۳. یاس و قنوط
- ۱۱۷ ۴-۲. گفتار سوم: عواطف دیگر انسان در قرآن کریم
- ۱۱۸ ۱-۴-۲. ابلاس
- ۱۱۸ ۲-۴-۲. اسف
- ۱۱۸ ۳-۴-۲. «أسی» یا «أسو»
- ۱۱۹ ۴-۴-۲. اطمینان
- ۱۱۹ ۵-۴-۲. امن
- ۱۲۰ ۶-۴-۲. بث
- ۱۲۰ ۷-۴-۲. حزن
- ۱۲۱ ۸-۴-۲. حسد
- ۱۲۲ ۹-۴-۲. خشیت
- ۱۲۲ ۱۰-۴-۲. خوف
- ۱۲۲ ۱۱-۴-۲. رجاء
- ۱۲۲ ۱۲-۴-۲. رحم
- ۱۲۲ ۱۳-۴-۲. رضا

۱۲۲ رهبت .۱۴-۴-۲
۱۲۲ سخط .۱۵-۴-۲
۱۲۳ سرور .۱۶-۴-۲
۱۲۳ سکینه .۱۷-۴-۲
۱۲۳ طمع .۱۸-۴-۲
۱۲۳ غضب .۱۹-۴-۲
۱۲۳ غیظ .۲۰-۴-۲
۱۲۴ فرح .۲۱-۴-۲
۱۲۴ قنوط .۲۲-۴-۲
۱۲۵ کراحت .۲۳-۴-۲
۱۲۵ مرح .۲۴-۴-۲
۱۲۶ وجل .۲۵-۴-۲
۱۲۶ ۵-۲. نکته‌ی پایانی فصل دوم
۱۲۸	۳. فصل سوم: روش قرآن کریم در جذب عاطفی انسان
۱۲۹ ۱-۳. سخن آغازین فصل سوم
۱۲۹ ۲-۳. گفتار اوّل: اصول و مبانی قرآن کریم در جذب عاطفی انسان
۱۳۰ ۱-۲-۳. توجه به گرایش‌های فطری، مبنای روش قرآن کریم در جذب عاطفی انسان
۱۳۶ ۲-۲-۳. پسندیده بودن عواطف طولی با عاطفه‌ی خدادوستی در دیدگاه قرآن
۱۳۸ ۳-۲-۳. تکلیف به اندازه‌ی توان عاطفی
۱۳۹ ۴-۲-۳. مذموم بودن غفلت عاطفی از نگاه قرآن کریم
۱۴۱ ۵-۲-۳. ارزش‌مندی عواطف در عرصه‌ی بندگی
۱۴۳ ۶-۲-۳. استعداد عاطفی، نعمتی از نعمت‌های الهی و عواطف در جایگاه نعمت و تقمت
۱۴۴ ۷-۲-۳. جریان اختیار در عرصه عواطف
۱۴۵ ۸-۲-۳. عواطف، میدانی برای مبارزه با هوای نفس و شیطان
۱۴۶ ۳-۳. گفتار دوم: راهبردهای مورد استفاده در روش قرآن کریم در جذب عاطفی انسان
۱۴۶ ۱-۳-۳. راهبرد خود توصیفی

۱۴۹ راهبرد تکریم انسان
۱۵۷ راهبرد اصلاح، تعدیل و جهت دهی عواطف
۱۶۰ راهبرد تبشیر و تحذیر
۱۶۱ راهبرد احترام به عُلقه‌های مخاطب
۱۶۳ راهبرد ارائه‌ی الگوهای عاطفی پسندیده و ناپسند
۱۶۴ راهبرد بهره‌گیری از عواطف مخاطب برای برانگیختن عاطفی آن
۱۶۶ راهبرد بهداشت عواطف اجتماعی
۱۶۷ راهبرد تأمین و تحدید نیازهای تن‌کردی، زیستی و امنیتی
۱۶۹ راهبرد به کارگیری جذابیت‌های کلامی
۱۷۱ راهبرد یاد و یادآوری
۱۷۲ راهبرد استفاده از زبان مهر و زبان قهر
۱۷۴ راهبرد اعتدال در ایجاد خوف و رجاء
۱۷۴ راهبرد شکوفاسازی توان خود مواظبتی در انسان
۱۷۶ راهبرد ارتباط دو سویه
۱۷۷ راهبرد بیان احاطه خدا بر عواطف
۱۷۸ سخن پایانی فصل سوم
۱۷۹ فصل چهارم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۱۸۰ ۱-۴ گفتار اوّل: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۸۲ ۲-۴ گفتار دوم: پیشنهادها
۱۸۳ ۳-۴ گفتار سوم: سخن پایانی رساله
۱۸۵ پی‌نوشت‌ها
۱۸۸ پیوست‌ها
۱۸۹ فهرست منابع

پیش‌گفتار

شکر و سپاس خداوندی را که عواطف کریمانه‌اش سبب شد که نعمت‌های بی‌کرانه‌اش به ما برسد، پیامبر برانگیزد، قرآن نازل کند، امام بر روی زمین برگزیند، تا انسان راه سعادت را پیدا کرده و هدایت شود و به حکم سرشت خویش مجذوب یکتای بی‌همتا گردد و براین‌اساس تنها خالق عشق را لایق عشق بدانند و به کمالی برسد که این سخن: «إِلَهِي كَفَى بِي عِزًّا أَنْ أُكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا، إِلَهِي أَنْتَ لِي كَمَا أَحَبُّ فَوْقَنِي لِمَا تُحِبُّ»^۱ شعارش باشد و در این راستا «أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»^۲ شود.

خداوندی که در هندسه‌ی درونی انسان عاطفه را همسایه‌ی عقل ساخت و فرمود: «ما راه را به او نشان دادیم» و در این هنگام «اگر شاکر باشد یا ناسپاس»^۳ نتواند از دائره‌ی قدرت وی بیرون رود. به انسان آموخت، که نفع دنیا و آخرت خویش را در پیروی و پرستش ببیند.

عاطف توانایی که انسان را توان عطف داد و در سرشتش عواطفی نهاد تا محرک او باشد. دلش را به خدادوستی زنده کرد و راهبردهای گوناگونی برای جذب او به کار بست تا ثابت شود که در دین خدا «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۴ تنها شاه‌راه رسیدن به «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ»^۵ است. ایمانم به اوست، که هستی‌ام داد. هدایتم از اوست که رهنماست. یارایم از اوست که تواناست. توکلم به اوست که تنها کفایت‌کننده اوست.^۶

در سایه‌سار الطاف کریمانه‌ی خداوند رحمان مبحثی جدید و مهم که «بسیار بحث جالب و با ارزش است»^۷ پیرامون کلام و حیانی قرآن، با عنوان «روش قرآن در جذب عاطفی انسان» موضوع پایان‌نامه پیش‌رو قرار گرفت و راهنما و مشاورانی توانمند همراهی کردند تا این پژوهش‌نامه سامان یابد.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۹۴؛ «الهی من را همین عزت بس که تو را بنده باشم و همین سرافرازی مرا بس که تو پروردگار من باشی. الهی تو برایم چنانی که من دوست دارم. به من توفیق بده تا چنان بنده‌ای باشم که تو دوست داری».

۲. بقره، ۱۶۵؛ «عشق‌شان به خدا شدیدتر است».

۳. انسان، ۳؛ «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا».

۴. بقره، ۲۵۶؛ «در قبول دین، اکراهی نیست. راه درست از راه انحرافی، روشن شده است».

۵. مائده، ۵۴؛ «آنها را دوست دارد و آنان او را دوست دارند».

۶. برگرفته از فقره نخست خطبه غراء نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۱۰۷، خطبه ۸۳.

۷. متن مذکور دست‌نوشته‌ی است از حضرت استاد دکتر احمد عابدی حفظه‌الله تعالی که بر حاشیه‌ی نسخه‌ای از مطالب گفتار دوم که در ذیل فصل اول این پایان‌نامه قرار دارد نگاشته شده و هنگامی که ایشان در راستای راهنمایی رساله پیش‌رو آن را رویت فرمودند نظر خویش را در عبارت مذکور مرقوم داشتند.

بسیاری در تفسیر آیات و حیانی بر این شده‌اند که عقل را حاکم بر همه چیز دانسته و با این پیش فرض که «قرآن کتاب عقل سپردگان است» به بحث بررسی آیات و حیانی پرداخته‌اند و برخی نیز ایده‌ی «قرآن کتاب دل‌سپردگان است» را در تفسیر خود تقویت نموده و مطالب خود را بر طبق آن نگاه استوار کرده‌اند. اما نگارنده‌ی این وجیزه نگاه خود را بر این ایده متمرکز می‌کند که «قرآن کتاب دل‌سپردگان عاقل است». از این رو تلاش می‌کند تا مبانی دیدگاه خود را تدوین نموده و گفتار خود را بر همین نگاه بنا نهد و از این نکته‌ی دقیق غافل نیست که دل‌سپاری فرایندی مبتنی بر شناخت بوده و عقل یکی از مبادی شناخت است.

آری، سیطره‌ی عواطف بر درون انسان همچون کشش‌های مغناطیسی حاکم بر تمام گستره‌ی گیتی است؛ گرایش و رانش‌هایی که بر زمین و آسمان حاکمند. عواطف نیز عامل حرکت عالم کبیر هستی انسان شده و بر همه‌ی کنش، منش و دانش انسانی تسلط دارد و عقل ابزار نیست در دست گرایش‌های حضوری انسان که در تلاش است نقش میزانی، مصباحی و مفتاحی را به عهده بگیرد و موضوع‌شناسی، آینده‌پژوهی، راه‌شناسی و هدف‌نمایی کند و می‌تواند تقویت شود تا عواطف حصولی را در جهت تربیت و هدایت انسان تعدیل و جذب کند و جایگاه فرامین او در هستی انسان همانند جایگاه قانون‌های گوناگون جاری و حاکم بر عالم است. از این رو شک شکاکان در این عرصه نیز بر ارزش‌مندی عقل درست نیست.

اما باید توجه داشت که حکم عقل نیز در فرایند فعلیت یافتن، نیروی حرکتی خود را از عاطفه می‌گیرد و در طول عاطفه‌های فطری، انسان را به سر منزل هدایت می‌رساند و در این راستا قرآن کریم نسخه‌ای کامل است که دارای برنامه و راه‌کار جامع و مخصوصی برای استفاده بهینه از این دو است که ما معتقدیم بهترین راه‌کارهاست و اهمیت نقش عواطف را نباید نادیده انگاشت؛ چرا که گفته‌اند: «عاطفه به منزله‌ی ملاطی است که بنای اسلام و ایمان روی آن استوار است»^۱.

عقل و بینش با محاسبه‌گری خود آنچنان شناختی به انسان می‌دهد که با صدای رسا می‌گوید: «لا اله موجود الا الله». اما عواطف و گرایش انسان، دلش را آواز خوان این سخن می‌کند که: «لا اله محبوب الا الله».

یک نامهربانی خاصی در بیشتر نگاه‌ها نسبت به ارزش عواطف شکل گرفته و آنان تمام ارزش را به عقل می‌دهند و این نامهربانی مبتنی بر یک دیدگاه سنتی است که عواطف را دشمن خرد می‌پندارند

و افلاطون معتقد بود که عواطف و احساسات همانند داروهای هستند که عقل را مختل می‌کنند. نگاهی که در دوره‌ی رواقیون نیز رواج داشته است.^۱

شاید منشا بد بینی برخی از اندیشمندان اسلامی این باشد که عواطف را مساوی با هوای نفس گرفته‌اند و این سبب شده تا مذموم بودن هوای نفس را که از تعالیم اسلامی آموخته‌اند به همه‌ی عواطف سرایت دهند. ولی این اشتباه روشنی است. لازم است با بازنگری محققانه اصلاح شود. اما واقعیت این است که تصور انسان بدون عنصر عاطفه بی‌مفهوم است و این سخن دور از حقیقت نیست، اگر بگوییم: «انسان بی‌عقل می‌توان یافت ولی انسان بی‌عاطفه وجود ندارد»؛ چرا که این عاطفه است که به کار و زندگی انسان معنا می‌دهد و باید توجه داشت که دسته‌ای از عواطف، ذاتی انسان هستند و ذاتی جدا ناشدنی (لاینفک) است و با مطالعه‌ی دقیق بر مفهوم و کاربرد عواطف، نظری متفاوت از نظرات ذکر شده به دست می‌آید. همان‌گونه که با پیشرفت دانش انسانی اهمیت عواطف در عرصه‌های مختلف زندگی همچون مدیریت، جامعه، سیاست، تربیت، اخلاق و... روشن شده و پذیرفتن دسته‌ای و نیز اصلاح و تربیت دسته‌ی دیگر به یک ضرورت تبدیل شده است.

مشکل اصلی در شکل‌گیری این دیدگاه‌های منفی این است که در قضاوت موضعی‌نگری کرده‌اند. اما اگر یک نگاه پوششی بر گستره‌ی عواطف داشته باشیم این گونه نامهربانی‌ها رخت بر می‌بندد. توضیح این نکته لازم است که مراد از «جذب عاطفی» در عنوان این پژوهش‌نامه آن چیز است که در مقابل جذب تکوینی و جذب جبری و اکراهی است. نه آن چیزی که در مقابل جذب عقلی قرار می‌دهند. عقل یکی از ابزارهای شناخت انسان بوده که مُعد و پایه‌ی عاطفه است و عواطف بر اساس شناخت‌ها شکل می‌گیرند. پس عقل در مقابل عاطفه نیست و قرآن کریم با دعوت عاقلانه و عالمانه و با کار در حوزه شناخت و گرایش، راه را برای هدایت هموار کرده و به دور از هر جبر و اکراهی عواطف انسان را به خدا جذب می‌کند؛ ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾^۲.

موضوع پیش‌رو شاهکاری در حوزه‌ی مطالعات تفسیری قرآن کریم است که می‌تواند در تمام عرصه‌های علمی حوزه‌ی علوم انسانی جلوه‌نما باشد و اگر قلم‌های ورزیده و افکار غواص و همت‌های بلند اندیش مجتهد بدان توجه کنند آثاری را رقم خواهند زد که چون چشمه‌های جوشان و رودهای خروشان سبب سیرابی تشنگان زیادی شود.

در پایان از خداوند متعال خواهانم که توفیق فهم کلام و حیانی خود را به دانش‌پژوهان عرصه معارف قرآن و بنده‌ی حقیر دهد و ما را در فتح عرصه‌های نو که در سخن قرآن کریم نهفته‌اند، یاری کند.

۱. آیزینگ مایکل، فرهنگ توصیفی روان‌شناسی شناختی، ص ۵۰۸.

۲. بقره، ۲۵۶.

۱. فصل اوّل:

کلیات، مفاهیم و مبانی

۱-۱. گفتار اوّل: کلیات

۱-۲. گفتار دوم: مفاهیم و مبانی

مطالب فصل اول را در دو گفتار پی می‌گیریم.

۱-۱. گفتار اول: کلیات

مباحث این گفتار در هشت زیر شاخه به ترتیب ذیل است.

۱-۱-۱. بیان مسئله

انسان به عنوان مخاطب قرآن کریم در کنار عقل، دارای عاطفه است و خداوند متعال که خالق انسان و آگاه‌ترین به سرشت اوست قرآن کریم را برای هدایت و تعلیم و تربیت انسان فرستاده است و از آنجا که در فرایند تعلیم و تربیت، در نظر گرفتن عواطف انسان یک ضرورت است لذا خداوند حکیم نیز عواطف انسان را در تعلیمات قرآنی در نظر داشته است و فرودگاه نزول وحی را قلب قرار داده که مرکز عواطف است تا ارتباط متقابل قرآن کریم با مخاطب انسانی‌اش و یا بهبود ارتباط با او و دستیابی به نتیجه‌ی بهتر، شدنی شود و در نتیجه جذب انسان به معارف و احکام و دستورات قرآن کریم صورت گیرد. از این رو ما تلاش داریم در این پژوهش دریابیم که خداوند رحمان در قرآن کریم برای برقراری رابطه عاطفی با انسان و جذب آن به سعادت‌مندی چه روشی را به کار بسته است؟ تا انسان بتواند راه کمال را طی کند و به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد.

بنابراین باید نخست چیستی عاطفه انسان در حوزه‌ی معارف اسلامی و در اصطلاح تعلیم و تربیت و روان‌شناسی روشن شود و بین آنها مقایسه صورت گیرد. سپس تفاوت آن با احساس بیان شود و عواطف گوناگون انسان (ممدوح و مذموم) مورد بررسی قرار گیرد و سپس موارد و آیات مربوط به هر کدام با نگاه به جذب انسان برای هدایت با استفاده از روش تفسیر موضوعی مورد بحث قرار گیرد.

۱-۱-۲. سوال اصلی

خداوند متعال در قرآن کریم از چه روش عاطفی و چگونه برای جذب انسان به هدایت و سعادت استفاده کرده است؟

۱-۱-۳. سوالات فرعی

۱. معنای عاطفه با توجه به کاربرد آن در منابع اسلامی چیست؟
۲. در قرآن کریم چه عواطفی از انسان مورد تصریح قرار گرفته است؟
۳. مبانی، اصول و راهبردهای روش قرآن کریم در جذب عاطفی انسان چیست؟

۱-۱-۴. فرضیه

عاطفه معنا و ارزش و کاربرد خاصی دارد قرآن کریم در جذب عاطفی انسان به سمت هدایت و سعادت ضمن داشتن اصول و مبانی و استفاده از راهبردهای متنوع، راه و روش دعوت به خردورزی، تعقل، تفکر و آگاهی را به کار بسته است که بهترین روش‌هاست.

۱-۱-۵. اهداف تحقیق

هدف از این تحقیق آن است که با تکیه بر عنایت خداوند رحمان در درجه نخست با توجه دادن مفسران و دانش‌پژوهان بهره‌گیرنده از معارف قرآن کریم به این بعد از مطالب درونی و آموزه‌های محتوایی قرآن کریم که در گذشته بسیار کم از این زاویه به محتوای آیات نگاه شده است به غنای نوشته‌های تفسیری درآینده و بهره‌گیری از معارف قرآن کریم بیفزاییم و تلاش می‌کنیم تا مبانی نظری جذب عاطفی انسان را از نص آیات و حیانی قرآن کریم به روش تفسیر موضوعی به دست آوریم.

هدف دیگر زمینه‌سازی برای تحقیقات بعدی و الگوگیری از مبانی قرآنی برای جذب عواطف انسانی در عرصه‌های گوناگون همچون: عرصه‌های مدیریت، تبلیغ و تدریس بخصوص تدریس معارف اسلامی - هدف اصلی دانشگاه معارف اسلامی - است؛ چرا که می‌توان روشی کاربردی ایجاد کرد و به بهتر انجام شدن این مأموریت مقدس و بزرگ کمک کرد و همچنین از جذب عاطفی مردم به معنویت‌های کاذب و نوین جلوگیری کرد و گامی برای دستیابی به اسلامی‌سازی علوم ترجمه‌ای همچون: مدیریت، روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی، ارتباط‌های رسانه‌ای و ... برداریم.

مهم‌ترین هدف این است که در سایه این پژوهش روش تفسیر عاطفی قرآن کریم را به عنوان یک روش نو در کنار روش‌های تفسیری دیگر مطرح کنیم.

۱-۱-۶. هدف کاربردی

با بهره‌گیری از نتایج این تحقیق می‌توان چهار چوب روش تفسیر عاطفی را به عنوان یک روش تفسیر جدید چید و همچنین با کاربردی کردن نتایج به دست آمده از این تحقیق در مدیریت، تبلیغ، تدریس و ارتباط‌های رسانه‌ای - صوتی، صوتی و تصویری و نوشتاری - به تأثیر گذاری و موفقیت بیشتر دست یافت.

مورد دیگر اینکه با بهره‌گیری از نتایج این پژوهش و بیان یکی دیگر از ویژگی‌های ممتاز قرآن کریم و با توجه ویژه به بعد عاطفی آیات، می‌توان بر غنای تفسیر قرآن کریم در آینده افزود و دایره‌ی بهره‌گیری از قرآن کریم را در برخی رشته‌های علوم انسانی گسترش داد و می‌توان با بیان این ویژگی قرآن کریم راه را بر برخی از شبهات مستشرقان بست و به جواب‌های نو در مقابل شبهه افکنان نسبت به آیات این کتاب مقدس دست یافت.

کاربردی برای این موضوع در ارتباط با دانشگاه مدرسی معارف متصور هست؛ چراکه می‌توان سر فصل‌های این موضوع را جای‌گزین موضوع‌های کار در کلاس و موضوع تحقیقات سر کلاسی دو واحد درسی از مجموع واحدهای تفسیر موضوعی کرد تا دو هدف ذیل را در کنار هم پوشش داده شود؛

۱. آموزش تفسیر موضوعی.

۲. مهارت افزائی دانشجو برای تدریس معارف اسلامی در هنگام تدریس.

به قطع می‌توان گفت که مُدرس آشنا با جایگاه عواطف در هندسه‌ی درونی انسان در مقایسه با کسی که آشنا به این وادی نیست کیفیت انجام وظایفش متفاوت و بهتر خواهد بود.

۱-۱-۷. پیشنهاد تحقیق

با بررسی انجام شده مشخص شد که تا کنون کتاب و مقاله‌ای با موضوع «روش قرآن کریم در جذب عاطفی انسان» نوشته نشده است. هر چند برخی مطالب در زمینه‌ی نقش عواطف در تعلیم و تربیت اسلامی نوشته‌اند و برخی تنها در بررسی یک یا چند تا عاطفه از میان عواطف انسان به برخی از آیات قرآن کریم بدون جستجوی کامل از آیات مربوط و بدون پیمودن راه و روش تفسیر موضوعی استناد کرده‌اند و در مباحث روان‌شناسی هم به صورت تخصصی به بررسی عواطف انسان از منظر قرآن کریم و یا موضوع مورد نظر ما و موضوع‌های نزدیک به آن پرداخته نشده است و اگر استنادهای هم در میان مباحث آنها به برخی از آیات جدای از آیات هم موضوع دیگر شده به نوعی در بیشتر این استنادها مصادره به مطلوب صورت گرفته است و آیه قرآن کریم به استخدام نویسنده‌ای که مفسر نیست، در آمده است و حال اینکه نویسنده باید با توانائی خود در خدمت نص آیه قرآن کریم باشد و خود را با پیش نیازهای ضروری یک مفسر برای تفسیر آشنا کند و آن وقت از زلال وحی بنوشد.

۱-۱-۸. روش کار

۱-۱-۸-۱. نوع روش تحقیق

این تحقیق با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و با تحلیل مفهومی به بیان مفهوم عاطفه پرداخته و با استفاده از روش تفسیر موضوعی، می‌کوشد تا روش قرآن کریم در جذب عاطفی انسان را به دست آورد.

۱-۱-۸-۲. روش گردآوری اطلاعات (میدانی، کتابخانه‌ای و غیره)

این تحقیق با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای انجام می‌شود و با استفاده از روش‌های توصیفی، تبیینی و تفسیر موضوعی به بررسی موضوع مورد پژوهش می‌پردازیم.

۱-۱-۸-۳. ابزار گردآوری اطلاعات

در سامان دادن تحقیق از روش فیش برداری بهره می‌جوییم.

۱-۱-۸-۴. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای دستیابی به حالات عاطفی انسان و کارکرد آنها در هدایت و ضلالت، به منابع تعلیم و تربیت و روان‌شناسی مراجعه کرده و سپس متناسب با مباحث، آیات را جداسازی نموده و با دسته‌بندی و روشن کردن ارتباط به تفسیر موضوعی آنها پرداخته و دیدگاه مفسران را مطرح می‌کنیم و به تحلیل مباحث می‌پردازیم و با توجه به نظری بودن موضوع، تجزیه و تحلیل با مطالعه و تحقیق کتابخانه‌ای انجام می‌شود.

۱-۲. گفتار دوم: مفاهیم و مبانی

در این قسمت از رساله واژه‌های «روش»، «عاطفه» و «احساس» به همراه مبانی بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱. مفهوم‌شناسی واژه‌ی روش

واژه‌ی «روش»، اسم مصدر است از «رفتن» و در اصطلاح به معنای چگونگی رفتن است؛^۱ چون هر روشی، رونده‌ای و مقصد و هدفی می‌خواهد، ما در اینجا روش قرآن کریم در جذب عاطفی انسان را بیان می‌کنیم که رونده‌اش قرآن کریم است که با استفاده از ابزار شناخت و عاطفه انسان را جذب عاطفی کرده و برای هدایت و رشد او راهبردهایی را به کار گرفته است.

۱-۲-۲. مفهوم‌شناسی واژه‌ی عاطفه

در اینجا مفهوم‌شناسی و معنایی واژه عاطفه را دیدگاه اهل لغت و اصطلاح علوم گوناگون به ترتیب می‌آوریم.

۱-۲-۲-۱. مفهوم عاطفه در لغت

واژه‌ی عاطفه در زبان فارسی و عربی به کار می‌رود و در لغت فارسی به معنای مهر، محبت، دوستی، گرایش و علاقه‌مندی نسبت به دیگران معنی شده است^۲ و در لغت عربی عاطفه به عاطفات یا عواطف جمع بسته می‌شود، مؤنث عاطف و مصدر آن عطف به معنای میل و رغبت آمده است.^۳ برخی در معنای «عطف» گفته‌اند:

به چیزی گفته می‌شود که یک طرف آن به طرف دیگرش تا خورده و خم شود مثل خم شدن و تا کردن زیر انداز و بالش و دولا کردن طناب و «ثَنَى عِطْفَهُ» وقتی گفته می‌شود که کسی روی خود را برگرداند و دور شود و اگر با حرف «علی» متعدی شود به معنی شفقت و رغبت و تمایل است، همچو: «عَطَفَ علیه» یعنی: به او توجه کرد و اگر با حرف «عن» متعدی شود ضد معنی تمایل و عطوفت است همچو عبارت: «عَطَفْتُ عن فلان» از او دوری گزیدم و بی توجهی نمودم.^۴

۱. عبدالله جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ص ۷۷.

۲. محمد معین، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۲۶۲؛ حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۸۵۴؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۹، ص ۱۳۸۱۷.

۳. خلیل بن احمد الفراهیدی، العین، ج ۲، ص ۱۷. «عطف الشئ: أمله، وانعطف الشئ: انعاج، وعطفت علیه: انصرف و رجل عَطُوفٌ إذا عَطَفَ على القوم في الحرب فحمى دبرهم إذا نهزموا»؛ محمد بن یعقوب فیروز آبادی، القاموس المحيط، ج ۳، ص ۲۳۷؛ اسماعیل بن حماد جوهری، همان، ج ۴، ص ۱۴۰۵؛ محمد بن مکرّم ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ محمد بن محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۲، ص ۳۸۹.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات، ص ۵۷۲.